



هالند، ۲۰۲۰ / ۳ / ۱۴



انجمن فارو

رهائی زندانیان باید تابع منافع افغانستان و اصول جهانی عدالت باشد



امریکا در موافقتنامه اش با طالبان، از ساحة صلاحیت خویش تجاوز نموده و رهائی ۵۰۰۰ زندانی طالبان را به این گروه، قبل از آغاز مذاکرات این گروه با حکومت افغانستان، تعهد کرده است. این تعهد نادیده گرفتن حاکمیت ملی افغانستان است که معمولاً ایالات متحده، در روی کاغذ و بیانات رسمی، به آن اذعان میکند. اساساً حکومت افغانستان که یکی از طرفین این قرارداد نیست، هیچ تعهدی برای عملی کردن ماده رهائی زندانیان در توافقنامه امریکا-طالبان ندارد. ولی حکومت در عمل با فرمانی چگونگی رهائی تدریجی زندانیانی را که لیست شان از جانب طالبان به امریکا داده شده در دو مرحله که مرحله اول آن شامل رهائی ۱۵۰۰ زندانی بخاطر اعتمادسازی و مرحله دوم شامل رهائی مشروط ۳۵۰۰ زندانی طالبان است، رسماً تنظیم نمود.

رهائی زندانیان طالبان، که یکی از تمکین های سیاسی حکومت افغانستان در مقابل حامی بزرگ اش یعنی ایالات متحده میباشد، اگرچه تطبیق آن مؤقتاً معطل قرار داده شده است، اما محتوی آن مورد انتقاد سازمان های حقوق بشر قرار گرفته زیرا تفاوتی میان زندانی با جرم عادی ضد امنیت داخلی و زندانی ئی که به خاطر ارتکاب جنایت جنگی محکوم شده، قایل نگردیده، اصل عدالت برای بازماندگان قربانیان را به طاق فراموشی سپرده و حتی به عنصرحق العبدی از لحاظ حقوق کشور ما نیز توجه نشده است.

صلاحیت محاکمه متهمین به جنایات نسل کشی، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در قدم اول متعلق به محاکم ملی میباشد. در صورت تعلل، فقدان اراده سیاسی یا ضعف مقامات ملی، محکمه جزائی بین المللی میتواند این مسؤلیت را عهده دار شود. حقوق بین المللی صراحت دارد که سه نوع جرم متذکره تابع عفو شده نمی توانند.

ولو مقامات ملی با تخطی از متن صریح حقوق جزائی بین المللی افراد محکوم به این نوع جنایات را عفو کنند، این عفو در خارج از قلمرو دولت عفو کننده اعتبار نداشته و محکوم علیه را عفو شده میتواند توسط دولت دیگری یا محکمه جزائی بین المللی مورد تعقیب جزائی و مجازات قرار بگیرد. بطور مثال حمله تروریستی بر چهارراهی زنبق که بیش از ۴۰۰ کشته و زخمی غیر نظامی بر جا گذاشت، کشتار بیرحمانه مظاهره کنندگان ملکی و بیدفاع در چهار راهی دهمزنگ و حملات انتحاری در میدان های مسابقات والیبال در پکتیکا و میدان فوتبال در خوست، بی تردید جرایم علیه بشریت اند که مرتکبین آن هیچگاه نباید، حتی بخاطر رسیدن به صلح، شامل فرمان های عفو شوند.

درحالی‌که جرایم علیه بشریت صرف قربانیان ملکی را احتوا میکند، تعریف جرایم جنگی شامل اهداف ملکی و نظامی می‌گردد. به موجب کنوانسیون‌های بشردوستانه جنگ، که محک ارزیابی جرایم جنگی در جریان منازعات در همه کشورها و در محاکم فراملی اند، حمله مسلحانه بر نظامیانی که در جریان جنگ مورد بحث محارب نیستند، چون عساکر مریض و تسلیم شده یا آماده تسلیم، پرسونل طبی نظامی، پرسونل تحنیک و انجیری، شاگردان مکاتب یا پوهنتون‌های نظامی، مساجد در قطعات نظامی و غیره جرم جنگی شناخته شده و با صلاحیت قضائی فراملی قابل تعقیب و مجازات شدید می‌باشند.

تاریخ ۱۸ سال گذشته شاهد ارتکاب این نوع جرایم از جانب طالبان، سایر گروه‌های هراس افکن، برخی مقامات افغان و برخی از حامیان خارجی حکومت افغانستان بوده است. آنچه اکنون به راه حل فوری نیاز دارد، معضله رهائی زندانیان طالبان است که صلح بحیث نیاز اساسی جامعه ما در گرو آن قرار داده شده است. افغانستان بحیث عضو مؤسسه ملل متحد و محکمه جزائی بین‌المللی هیچگاه نمی‌تواند تعهدات بین‌المللی خویش را، حتی بخاطر صلح کنار بگذارد. راه حل عملی این است که برای تشخیص و استثنا قرار دادن افراد محکوم به جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت، در ترکیب هیأتی که فلتزرهائی زندانیان طالبان را انجام می‌دهد، نمایندگان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمانهای دفاع از حقوق قربانیان گنجانیده شوند.

لازم به تذکر است که بازماندگان قربانیان بحیث بخشی از مردم افغانستان و کسانی که عواقب حملات طالبان را متحمل شده‌اند باید در هیأت مذاکره‌کننده و شورای صلح نمایندگی داشته باشند. تعقیب جریانات داخل افغانستان این تشویش را ایجاد نموده که زورگویان و جنگسالارانی که طی ۱۸ سال گذشته صرف به پول اندوزی مصرف بوده‌اند، از جانب حامیان خارجی حکومت بازهم فرصت یابند تا با معامله بالای صلح، یکبار دیگر افغانستان را به عقب رجعت داده و به بحران بکشانند. این یک جفای نابخشودنی به حق مردم افغانستان خواهد بود!

فدراسیون سازمانهای پناهندگان
افغان در اروپا " فارو "

رهائی زندانیان باید تابع منافع افغانستان و اصول جهانی عدالت باشد
Faro_rehai_zendaniyan_hosoljahani_adalat_kaardarad.pdf